



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 5, Issue 4, 2025

Causes and Instances of Increased Blood Money (Diyyah) According to Imami and Hanbali Jurists

Fatemeh Rajaei*¹, Mosa Hakimi², Parisa Fadaei³

1. Associate Prof. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Prof. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

3. M.A, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 107-119

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +985144013178

Email: fatemehrajaei@gmail.com

Article history:

Received: 09 Feb 2025

Revised: 26 Apr 2025

Accepted: 04 June 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Taghlīz, Diyyah, Imami, Hanbali.

ABSTRACT

Although the vast majority of Muslim jurists accept the principle of *taghlīz al-diyyah* (increased blood money) and base this view on various sources — including the Qur'an, Sunnah (tradition), consensus (*ijmā'*), and the reports of the Companions — they differ in their opinions regarding the causes, effects, and manner of this increase. They disagree on *how* the increase should take place: whether it involves adding one-third to the standard amount of blood money, or whether it should relate to the characteristics or age of the camels, the timing of payment, or the person responsible for paying it. Furthermore, jurists have mentioned several circumstances that lead to *taghlīz al-diyyah*, such as committing a killing during the sacred months (*al-ashhur al-hurum*), within the sacred precinct of Mecca (*haram Makkī*), while in the state of consecration (*ihrām*), or killing a relative. This study, employing a library-based and descriptive-comparative methodology, examines the views of Shi'i (Imami) and Hanbali jurists on the causes of increased blood money. The Imami jurists agree with the Hanbalis on adding one-third to the prescribed amount of *diyyah* in cases of *taghlīz*, but they differ in the specific situations where this applies. For instance, according to the Imami school, *taghlīz al-diyyah* is obligatory in cases of killing during the sacred months or within the sacred precinct of Mecca, but not when the killing occurs during the state of *ihrām* or when the victim is a pilgrim (*muḥrim*). In contrast, the Hanbali jurists consider the increase obligatory in all these cases. From the Imami perspective, there are also differences with the Hanbalis regarding which types of homicide are subject to *taghlīz al-diyyah*. For example, in cases of intentional (*'amd*) or quasi-intentional (*shibh al-'amd*) killing that occur during the sacred months or within Mecca's sanctuary, the Imami jurists stipulate a one-third increase in the amount. However, Hanbali jurists view the intensification as relating to the age and quality of the camels used for *diyyah*, rather than its numerical amount. Finally, regarding accidental homicide (*qatl al-khafa'*), the financial enhancement (increase in *diyyah*) does not apply. The narrations cited on this matter are considered weak in transmission and therefore cannot serve as valid legal evidence.



This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Rajaei, F; Hakimi, M & Fadaei, P (2025). "Causes and Instances of Increased Blood Money (Diyyah) According to Imami and Hanbali Jurists". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 107-119.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

اسباب و موارد تغلیظ دیه از نظر فقهای امامیه و حنابله

فاطمه رجایی*، موسی حکیمی صدر^۲، پریسا فدایی^۳

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۳. کارشناس ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

چکیده

با وجود آن که اکثر قریب به اتفاق فقیهان مسلمان قائل به تغلیظ بوده و به دلایلی، از جمله کتاب، سنت، اجماع و آثار صحابه استناد جسته‌اند، ولی در اسباب، آثار و کیفیت تغلیظ با هم اختلاف نظر دارند. آنان در چگونگی تغلیظ دیه، به تغلیظ با افزایش ثلث دیه، تغلیظ در صفت و سن، زمان پرداخت و پرداخت‌کننده آن اختلاف دارند. علاوه بر این، برای تغلیظ دیه اسبابی چون وقوع قتل در ماه‌های حرام، حرم مکی، حالت احرام و نیز کشتن اقارب ذکر کرده‌اند. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تطبیقی به بررسی دیدگاه فقهای مذاهب شیعه و حنابله درباره اسباب تغلیظ دیه پرداخته شده است. فقهای امامیه با حنابله در اضافه کردن ثلث بر مقدار مشخص دیه در تغلیظ دیه متفق هستند، ولی در حالاتی که دیه در آن تغلیظ می‌شود، اختلاف دارند، مثلاً از نظر فقهای امامیه، تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم مکی واجب است، ولی در حالت احرام را واجب نمی‌دانند یا وقتی مقتول محرم باشد، ولی فقهای حنبلی تغلیظ دیه را در این موارد واجب می‌دانند. از دیدگاه امامیه در مورد تغلیظ دیه در اقسام قتل اختلاف نظرهایی با حنابله وجود دارد. چنانچه قتل عمد و شبه‌عمد در ماه‌های حرام و حرم مکه باشد، با تغلیظ یک‌سوم همراه است؛ برخلاف فقهای حنابله که در این موارد تغلیظ از حیث سن و صفت شتران می‌دانند. در مورد تغلیظ دیه نسبت به انواع قتل نیز باید گفت که تغلیظ مالی شامل قتل خطا نمی‌شود و روایات وارده در این باب به دلیل ضعف سندی قابل احتجاج نیست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۷-۱۱۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:-.....-.....-.....-.....

تلفن: ۰۳۱۷۸۱۳۴۴۰۹۸۵+

ایمیل: fatemehrajaei@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

تغلیظ، دیه، امامیه، حنبلیه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

واژه «تغلیظ» به معنای تشدید است. در اصطلاح فقه اسلامی، به افزوده شدن یک سوم به میزان دیه گفته می‌شود. برخی از امکانه و ازمنه در فقه اسلامی از احترام خاصی برخوردار است، لذا وقوع قتل و جنایت باعث تشدید دیه می‌شود. موجبات تغلیظ در فقه امامیه و حقوق ایران، قتل در یکی از «ماه‌های حرام» و «محدوده حرم مکه» است. ماه‌های حرام شامل چهار ماه محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه از تقویم قمری است. خداوند در قرآن مجید عبارت ماه حرام یا ماه‌های حرام را در جاهای مختلف آورده است. اسباب تغلیظ دیه مورد اختلاف فقهای شیعه و حنبلی است، لذا در این مقاله به این پرسش پاسخ می‌دهیم که اختلاف بین فقه شیعه و حنبلی در اسباب تغلیظ دیه چه مواردی است؟ بررسی اشتراکات و افتراقات فقه شیعه با فقه حنبلی در اسباب تغلیظ دیه جایگاه مهمی دارد تا پس از بررسی آن نقاط قوت و ضعف هر کدام آشکار گردد. از دیدگاه فقهای شیعه حکم به تغلیظ دیه جراحات‌ها با مذاق فقهای اهل سنت که قیاس را قبول دارند سازگارتر است، اما در مقابل فقهای حنبلی، از جمله ابن قدامه معتقد است قتل شخص در حرم یا ماه حرام و همچنین قتل محرم در حرم یا ماه حرام موجب تغلیظ دیه است. همچنین طبق نظر حنبله و احمد بن حنبل هرگاه قتل محارم در حرم یا ماه حرام باشد یا قتل محرم بدون این که در حرم یا ماه حرام باشد، دیه تشدید می‌شود. از طرفی فقهای شیعه قائل به تغلیظ دیه در ماه‌های حرام هستند و به اجماع و روایات استناد نمودند. حنبلیه درباره تغلیظ دیه دیدگاه‌های اندکی متفاوت با شیعه دارد. نظر آنان در قتل خطا عدم تغلیظ دیه است. در این دیدگاه، دیه قتل خطا، مخففه خواهد بود و در هیچ حالتی مغلظه نمی‌شود، اما دیدگاه شیعه تغلیظ دیه می‌باشد. در این دیدگاه، هرگاه قتل خطا در ماه‌های حرام واقع شود، تغلیظ با افزودن یک سوم بر مقدار مشخص شده، انجام می‌شود. از منظر فقه شیعه بر حکم تغلیظ دیه در قتل عمد و غیرعمد در ماه‌های حرام، حرم و خویشاوندان اتفاق نظر داشته و برخی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. مستند این حکم نیز آیات مربوط به حرمت ماه‌های حرام و چند روایت، اجماع و اصاله احتیاط است. در خصوص اصل احتیاط بین فقه شیعه و فقهای حنبلیه

اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. اصل احتیاط مورد قبول فقهای حنبلیه واقع نشده است. می‌توان گفت حنبله قائل به تغلیظ دیه در هر سه نوع قتل که ذکر آن‌ها گذشت، می‌باشند. تشدید دیه چون در قتل خطایی یقینی است به طریق اولی در قتل عمد هم جاری است. تغلیظ در سن شتر را در جراحات‌های عمدی را هرچند قابل قصاص نباشد، واجب می‌دانند. همچنین در جمع اسباب تغلیظ گفته‌اند: هرگاه سه موجب (قتل در حرم، ماه حرام و قتل اقارب) جمع شود، یک سوم دیه برای هر مورد افزایش می‌یابد، مثل این که شخصی مرتکب قتل یکی از خویشاوندان خود در مسجدالحرام و در ماه حرام شود که مجموع این موارد با یکدیگر دو دیه می‌شود. تغلیظ دیه در قتل شبه‌عمد را صد شتر می‌دانند که شامل چهار نوع می‌باشد، بیست و پنج بنت مخاض، بیست و پنج بنت لبون، بیست و پنج حقه و بیست و پنج جذعه. و تغلیظ دیه در قتل عمد را نیز شامل همین چهار نوع شتر می‌دانند که واجب است از مال جانی و به صورت حال پرداخت شود. در این مقاله پس از تعریف تغلیظ دیه به اسباب آن در فقه شیعه و حنبلی اشاره می‌شود.

اسباب تغلیظ دیه در غالب کتب فقهی شیعه و اهل سنت در بحث دیات مطرح شده است، البته نوشته‌هایی، از جمله مقالاتی مانند «ماهیت تعزیری ثلث مازاد بر دیه نفس و آثار آن در قانون تغلیظ دیه» (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۹)، «بررسی شرط لزوم اتحاد مکانی و زمانی رفتار جنایی و فوت، جهت تغلیظ دیه (کاوشی در مبانی فقهی ماده ۵۵۵ ق.م.ا)» (سلیمان کلوانق و همکاران، ۱۳۹۷)، «تغلیظ مضاعف دیه از دیدگاه مذاهب اسلامی» (جوان جعفری بجنوردی و همکاران، ۱۳۹۲) و پایان‌نامه با عنوان «بررسی تطبیقی تغلیظ دیه بین مذاهب اسلامی» (خسروی، ۱۳۹۱) و «تبیین تغلیظ دیه در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران» (مددی جابری، ۱۳۹۰) برای روزآمد کردن این مباحث نوشته شده است که در این موارد مباحث کلی تغلیظ دیه مورد بررسی قرار گرفته است، ولی در این مقاله مفصلاً و به‌تنهایی به بررسی اسباب تغلیظ دیه در فقه شیعه و حنبلی پرداخته شده است.

۱- مفهوم تغلیظ دیه

لفظ تغلیظ در لغت به معنای تشدید کردن، چیزی را بر کسی سخت و درشت کردن، تأکید کردن و غلیظ کردن آمده است. امر غلیظ، یعنی کار دشوار و شدید، عذاب غلیظ، یعنی شدت الم و درد یا رجل غلیظ، یعنی مردی که سخت گیر و خشن است (مصطفی و همکاران، ۱۹۷۲: ۶۵۹/۲)، در لسان العرب هم آمده است: «الغلظ، ضد رقت است، در خلق، طبع، فعل، منطوق و چیزهای دیگر زندگی»، در چند جای قرآن هم بیان شده است، مانند «وَأَخْذُنْ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ اخذ پیمان و میثاق مؤکد و استوار در هنگام ازدواج» (نسا/۲۱: ابن منظور، ۱۹۹۷: ۴۴۹/۷). «تغلیظ: قراردادن چیزی سنگین و خشن» (فتح الله، ۱۴۱۵: ۹۴). در سایر فرهنگ‌های لغت نیز به همین معنا به کار رفته است (مهیار، ۱۳۶۸: ۱۷۰۸)، اما مفهوم تغلیظ دیه در اصطلاح فقها، یعنی افزایش دادن، مرغوب نمودن و سنگین نمودن دیه در حالاتی از قتل یا در شرایطی. به برخی از تعاریف فقهای امامیه و حنابله درباره تغلیظ دیه اشاره می‌شود. تغلیظ دیه عبارت است از افزودن یک سوم دیه بر مقدار دیه مشخص شده در قتل خطا، در ماه‌های حرام، حرم مکی، قتل محارم و قتل محرم. این رأی حنابله و امامیه است (ابن قدامه مقدسی، بی تا: ۵۵۲/۹؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۳۵۶/۶). برخی از حنابله گفته‌اند: «تغلیظ دیه در سن و ویژگی‌های شتر صورت می‌گیرد که در این صورت به خاطر بهتر شدن کیفیت شتران قیمت آن‌ها افزایش می‌یابد» (ازهری، بی تا: ۶۷/۳). برخی از امامیه گفته‌اند: «واقع شدن قتل خطا در ماه‌های حرام، حرم مکی و قتل محارم باعث مغلظه شدن دیه می‌شود، اما نه با افزایش یک سوم (ثلث)، بلکه تغلیظ دیه با سه گانه شدن تقسیم بندی شترها، مانند دیه قتل عمد انجام می‌شود، چنان که در کتاب بحرالذخار آمده وقتی قتل در حرم یا ماه حرام (رجب، ذی القعدة، ذی الحجة، محرم) باشد یا محرمی را بکشد یا قتل عمد محض باشد، دیه در این موارد، سی حقه، سی جذعه و چهل خلفه است» (مرتضی، بی تا: ۳۷۳/۵). بنابر دیدگاه‌های فوق، فقهای حنابله و امامیه بر اصل تغلیظ دیه اتفاق نظر، ولی در اسباب آن اختلاف دارند، لذا می‌توان تغلیظ دیه را چنین تعریف کرد: «بالا بردن و مرغوب نمودن کیفیت اصناف دیه (ترجیحاً

شتران) در صفت و سن، پرداخت فوری و از مال جانی به سبب وقوع قتل عمد و شبه عمد، یا افزایش دادن یک سوم دیه در قتل خطا در شرایطی مانند وقوع قتل در ماه‌های حرام، حرم مکه، در حالت احرام و قتل محارم.»

۲- اسباب تغلیظ دیه

منظور از اسباب تغلیظ، شرایطی است که در صورت تحقق، میزان دیه پرداختی بیشتر می‌شود. این اسباب به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- اسباب زمانی: زمان‌هایی که ارتکاب قتل در آن‌ها، موجب تشدید یا تغلیظ دیه مقتول می‌گردد. این اسباب عبارتند از: ماه‌های حرام، شامل ماه‌های رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم؛

۲- اسباب مکانی: مکان‌هایی که ارتکاب قتل در آن‌ها، موجب دیه مقتول را مشدد و مغلظه می‌کند. این سبب به اتفاق فقهای حرم مکه می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲/۴۳). اسباب و موارد تغلیظ دیه از نظر فقهای حنابله و امامیه برحسب زمان وقوع قتل، مکان وقوع قتل و ذات قتل متفاوت می‌باشند.

۲-۱- قتل در ماه‌های حرام

یکی از اسباب و مواردی که از دیدگاه فقهی و حقوقی از حیث زمان وقوع قتل در آن موجب تغلیظ دیه می‌شود، ماه‌های حرام است. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: ذوالقعدة الحرام، ذوالحجة الحرام، محرم الحرام و رجب. سه تایی اولی پشت سر هم‌اند و چهارمی تنها و مابین جمادی الثانی و شعبان است. درباره شرافت این ماه‌ها آیات صریح قرآن وجود دارد و روایات بسیاری ذکر شده است (بابویه قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۲۴۳/۲).

هرگاه قتل خطا در ماه‌های حرام واقع شود، تغلیظ با افزودن یک سوم بر مقدار مشخص شده انجام می‌شود که این رأی حنابله و امامیه است. دلایل این گروه این است که مجاهد می‌گوید: عمر در مورد کسی که در حرم کشته شده است یا در ماه حرام یا محرمی را کشته است، دیه آن را دیه کامل و یک سوم دیه حکم کرد (فیروزآبادی شیرازی، ۱۴۱۶: ۲۱۱/۳). همچنین از نافع بن جبیر روایت شده است که شخصی در

۲-۲-۲- قتل در حرم مکه

قتل در حرم مکه یکی از مواردی است که مکان باعث تشدید دیه شده است. دیدگاه فقهای حنابله و امامیه در مورد تغلیظ دیه هنگام وقوع قتل در حرم مکه، ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱- دیدگاه اول: عدم تغلیظ دیه: از دلایل این فقها این است که این قدامه عدم تغلیظ را به بسیاری از تابعین نسبت داده است. در شرح الکبیر آمده است: «ظاهر کلام خرقی این است که دیه تغلیظ نمی‌شود و همین‌طور است قول حسن و شعبی و نخعی و ابن حنیفه و ابن منذر و از فقهای سبعه و عمر بن عبدالعزیز نیز همین روایت است» (ابن قدامه مقدسی، بی‌تا: ۵۵۴/۹). پیامبر (ص) فرموده است: «فی النفس المؤمنه مائه من الإبل» (آلبانی، ۱۴۰۵: ۳۰۵/۷). آلبانی آن را صحیح دانسته است، یعنی بر جان مؤمن صد شتر است و بر این اضافه نمی‌شود و بر اهل، طلا و نقدینه هزار متقال می‌شود. در حدیث ابی‌شریح آمده که رسول‌الله (ص) فرموده است: «ثم أنتم يا خزاعه، قد قتلتم هذا القتيل، وأنا والله عاقله، فمن قتل بعده قتيلاً فأهله بين خيرتين: إن أحبوا قتلوا، وإن أحبوا أخذوا الدية. رواه أبو داود؛ أي قبيلة خزاعه شما این مقتول از قبيله هزبل را کشته‌اید، به خدا من عاقله او هستم، پس هرکه، کسی را بکشد، خانواده مقتول مخیر است، اگر دوست داشتند قصاص بگیرند و اگر دوست داشتند و خواستند، دیه بگیرند» (بیهقی، ۱۳۴۴: ۵۲/۸) و این قتل در مکه و در حرم خدا رخ داده است و پیامبر چیزی بر دیه نیفزود و بین حرم و غیرحرم فرق نگذاشت. همچنین خداوند فرموده است: «... وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ...» (نساء/۹۲). این آیه دلالت بر این دارد که زمان و مکان دخالتی در تعیین دیه ندارد، درحالی‌که عمر از قتاده مدلجی، فقط دیه فرزندش را گرفت و چیز اضافه‌ای از وی نگرفت. جوزجانی با استناد به ابی‌الزناد می‌گوید عمر بن عبدالعزیز هم بعد از مشورت با فقها و به‌خاطر احیای سنت فقهای سبعه تغلیظ دیه را ساقط کرد (ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۶۱/۱۹؛ کثیر دمشقی (ابن کثیر)، ۱۴۱۷: ۳۷۵/۲). صاحب کشف اللثام می‌گوید: «به نظر من در مورد قتلی که در حرم مکه رخ داده است باید توقف کرد» (فاضل هندی، ۱۴۰۵:

بلدالحرام و در ماه حرام به قتل رسید، ابن عباس حوله دیه او را دوازده‌هزار درهم قرار داد و به‌خاطر ماه حرام هم چهارهزار درهم بر آن افزود: امام نووی می‌گوید: «اگر قتل در ماه‌های حرام که همان ذیقعه، ذیحجه، محرم و رجب است واقع شود، دیه مغلظه می‌شود» (نووی، ۱۴۲۳: ۳۶۶/۳). صاحب جواهر مدعی اجماع بر تغلیظ دیه در ماه‌های حرام است. در کتاب جواهر آمده است: «نیافتیم مگر خبر کلب اسدی که از اباعبدالله (ع) در مورد مردی که در ماه حرام کشته می‌شود، پرسیده شد که دیه او چقدر است؟ فرمودند: یک دیه و یک‌سوم دیه. خبر دیگرش این است که می‌گوید از ابا عبدالله (ع) شنیدم که می‌گوید: کسی که در ماه حرام، کسی را بکشد، بر او یک دیه و یک‌سوم دیه است» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶/۴۲). در بین فقهای معاصر کسی که قائل به تغلیظ دیه در قتل در حرم مکه است امام خمینی (ره) است (موسوی خمینی، بی‌تا: ۵۰۳/۲). در کتاب منارالسبیل از کتب حنابله آمده است: «تغلیظ دیه در قتل خطا در تمامی حرم مکه و در حال احرام‌بودن و در ماه‌های حرام به‌صورت سه‌گانه می‌باشد» (ابن ضویان، ۱۴۰۹: ۳۴۲/۲). در کتاب بحرالزخار هم آمده است: «وقتی قتل در حرم یا ماه حرام (رجب، ذوالقعه، ذی‌الحجه، محرم) باشد یا محرمی را بکشد یا قتل عمد محض باشد، دیه در این موارد ۳۰ حقه، ۳۰ جذعه و ۴۰ خلفه است» (مرتضی، بی‌تا: ۳۷۳/۵).

توضیحی که در مورد این دیدگاه لازم است، این‌که زیدیه قتل در ماه حرام، در حرم و قتل محارم را سبب تغلیظ می‌دانند، اما نه با افزایش یک‌سوم، بلکه تغلیظ در دیه قتل خطا هم مانند دیه قتل عمد خواهد بود (مرتضی، بی‌تا: ۳۷۳/۵). از بررسی دیدگاه‌ها مشاهده می‌شود که اساس استدلال قائلین تغلیظ دیه آن هم در قتل خطا، عملکرد صحابه است، گرچه عملکرد صحابه و حجیت آن از دیدگاه علما و اندیشمندان جای اختلاف است، ولی باید گفت عملکرد آن‌ها را می‌توان برداشتی دقیق و عمیق از شریعت ناب اسلام دانست. با این وصف این دیدگاه جای تأمل دارد و ادعای اجماع بر آن نیز با وجود دیدگاه‌های مخالف مردود است.

۲-۳- قتل در حرم مدینه و سایر مکان‌های مقدس

یکی دیگر از مکان‌هایی که مورد توجه و احترام است، حرم نبوی است، لذا بحث قتل در آنجا و حرم ائمه (ع) نیز مطرح می‌گردد.

تمام فقهای که تغلیظ دیه را در مسجدالحرام را بدون دلیل دانسته‌اند، باتوجه به قیاس اولویت تغلیظ دیه در این اماکن را نمی‌پذیرند، هرچند صراحتاً نظر خود را بیان نکرده‌اند (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۱۸۲/۱۰). در مقابل گروهی از فقها که تغلیظ دیه در مسجدالحرام را پذیرفته‌اند نیز دو دسته شده‌اند. برخی اماکن مقدس را ملحق به مسجدالحرام کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹/۴۳؛ براج طرابلسی (ابن براج)، ۱۴۰۶: ۵۱۵/۲) و طوسی (طوسی (شیخ طوسی)، ۱۴۰۹: ۷۵۶) برخی دیگر آن را ملحق نمی‌دانند (موسوی خمینی، بی‌تا: ۵۵۸/۲). اردبیلی الحاق آن را قیاس و باطل دانسته است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۲۱/۱۴). فقهای حنبلی، حکم تغلیظ دیه را به علت حرمت صید در این مکان می‌دانند، لذا آن را مختص مسجد الحرام می‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۵۰/۹؛ ابن قدامه مقدسی، بی‌تا: ۵۰/۹).

ادله تغلیظ دیه از دیدگاه فقه حنبلی حدیث نبوی است که فرموده‌اند: «إن إبراهیم حرم مکه و دعا لأهلها و إنی حرمت المدینه کما حرم إبراهیم مکه و إنی دعوت فی صاعها و مدها بمثلی ما دعا به إبراهیم لأهل مکه رواه مسلم؛ ابراهیم مکه را حرام قرار داد و برای اهلش دعا کرد، من نیز مدینه را حرام قرار دادم، همان‌طور که ابراهیم مکه را حرام قرار داد و دعا کردم برای برکت در پیمانه صاع و مد اهل مدینه همان‌گونه که ابراهیم برای اهل مکه دعا کرد» (بیهقی، ۱۳۴۴: ۱۹۷/۵).

پس بر این مبنا شکار و قطع درختان در آنجا حلال نیست، اما نظر حنفیه برخلاف فوق است و می‌گویند: مدینه منوره حرم نیست و کسی از شکارکردن و بریدن درختان منع نمی‌شود و اراده پیامبر از آن حدیث این است که بقای زینت مدینه مقدم است، همان‌طور که در حدیث دیگری فرموده‌اند: «لا تهدموا الأظام، فإنها زینة المدینه؛ درختچه‌ها را از بین نبرید که زینت و زیبایی شهر هستند» (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۸۳/۴).

۳۵۷/۶). شهید عاملی هم گفته: «حکم تغلیظ دیه در حرم مکه، به دلیل نیاز دارد» (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۴۲۹/۲).

۲-۲-۲- دیدگاه دوم: تغلیظ دیه: در این دیدگاه هرگاه قتل خطا در حرم مکه واقع شود، تغلیظ با افزودن یک سوم بر مقدار مشخص شده انجام می‌شود که این رأی حنابله و به قولی امامیه است، از جمله دلایل این فقها این است که در کتاب شرح الکبیر آمده است: «دیه در سه چیز مغلظه می‌شود: هنگامی که قتل در حرم واقع شود یا در ماه حرام یا قتل ذورحم باشد» (ابن قدامه مقدسی، بی‌تا: ۴۸۷/۱۲). همچنین در کتاب المغنی آمده است: «دیه با سه چیز مغلظه می‌شود: هنگامی که قتل در حرم، در ماه‌های حرام و قتل محارم اتفاق بیفتد و نص سخن امام احمد این است که تغلیظ دیه در قتل محارم، در حرم و در ماه حرام است» (ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۵۵۲/۹). در کتاب بحرالذخار هم آمده است: «وقتی قتل در حرم یا ماه حرام (رجب، ذوالقعدة، ذی‌الحجه، محرم) باشد یا محرمی را بکشد یا قتل عمد محض باشد، دیه در این موارد ۳۰ حقه، ۳۰ جذعه و ۴۰ خلفه است» (مرتضی، بی‌تا: ۳۷۳/۵). در محدودبودن تغلیظ در ماه‌های حرام و در حرم مکه شیخ طوسی تأکید دارد. در کتاب الخلاف آمده است «اگر قتل خطا باشد، در دو مورد دیه مغلظه است، در ماه حرام و در حرم مکه و دلیل ما اجماع فرقه و طریق احتیاط است» (طوسی (شیخ طوسی)، ۱۴۰۷: ۱۱۸/۳). در کتاب الکافی و الفقیه هم آمده است: «گفتم به ابوجعفر (ع) که مردی، مردی را در حرم می‌کشد، فرمود: بر وی یک دیه و یک سوم دیه است» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶/۴۲). خبر دیگر که در التهذیب روایت شده است که: «به ابوعبدالله (ع) گفتم مردی، مردی را حرم مکی می‌کشد، فرمود: بر او یک دیه و یک سوم دیه است و توقف در این مسأله هیچ وجهی وجود ندارد» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶/۴۲).

به نظر می‌رسد که قول راجح در مورد تغلیظ دیه در حرم مکه، برای قتل عمد باشد و چنان‌چه و در حرم مکه مرتکب قتل شبه‌عمد یا خطا گردید، سزاوار دیه مغلظه نخواهد بود، هرچند که بایستی حرمت آن مکان مقدس که مورد توجه خداوند و رسولش می‌باشد، حفظ شود.

۱۴۰۶: ۴۷۸/۹). در شرح الکبیر آمده است: «اصحاب ما برای هر کدام از محرمات یک سوم دیه را تغلیظ می‌کنند و هرگاه محرمات چهار تا شد، دو دویه و یک سوم اضافه می‌شود و نیز امام احمد در روایت ابن منصور می‌گوید: کسی که محرمی را در حرم و در ماه حرام بکشد، بر وی ۲۴ هزار است و این قول تابعین است که قائل به تغلیظ هستند» (ابن قدامه مقدسی، بی‌تا: ۵۵۳/۹). در کتاب منار السبیل هم آمده است: «تغلیظ دیه در قتل خطا در مواردی مثل قتل در حرم مکه یا در حالت احرام و ماه‌های حرام باشد، تغلیظ در این موارد تثلیث است» (ابن ضویان، ۱۴۰۹: ۳۴۴/۲). ابن قدامه در کتاب المغنی تغلیظ را به عثمان، ابن عباس، عطاء، طاووس، شعبی، مجاهد سلیمان بن یسار، جابر بن زید، قتاده، اوزاعی، مالک، شافعی و اسحق نسبت می‌دهد (ابن قدامه، ۱۴۰۶/۴۹۹).

از مطالب گفته‌شده برمی‌آید که قتل در حال احرام زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی در سرزمین امن الهی که به قصد حج یا عمره مشرف شده است، محرم شده باشد، پس چنانچه شخصی با آگاهی از شرایط احرام و حرم مرتکب قتل شبه‌عمد و به‌خصوص قتل عمد شود، بهتر آن است که دیه پرداختی مغلظه گردد و تنبیه و مجازات او تشدید شود، پس به‌نظر می‌رسد باتوجه به شرایط و دلایل مذکور رأی حنبله ترجیح داشته باشد.

۲-۵- قتل محارم

یکی از اسباب تغلیظ دیه قتل محارم می‌باشد. منظور از محارم، خویشاوندان محرم مانند پدر، مادر، خواهر، برادر است و خویشاوندان سببی و رضاعی و غیرمحرم مانند عموزاده و دایی‌زاده را شامل نمی‌شود (نووی، ۱۳۸۰: ۵۳/۴).

عدم تغلیظ دیه رأی امامیه است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۷: ۲۰۸/۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲/۸). از دلایل این گروه است که دیه قتل خطای محض در حرم و در ماه حرام و بر ذی‌رحم مغلظه نمی‌شود. دلالت بر تغلیظ دیه دارد. در این دیدگاه هرگاه قتل خطا بر یکی از محارم واقع شود، تغلیظ با افزودن یک سوم بر مقدار مشخص شده انجام می‌شود که این رأی حنبله است. در کتاب المذهب آمده است: اگر قتل در حرم یا در ماه‌های حرام باشد و یا مقتول ذی‌رحم محرم برای قاتل

همچنین حدیث انس بر حلال بودن شکار و صید دلالت دارد که گفته است: «کان لی أخ یقال له أبوعمیر قال أحسبه فطیما وکان إذا جاء قال یا أباعمیر ما فعل النعیر؟» (زهری، بی‌تا: ۷۱/۳؛ بخاری، ۱۳۲۰: ۱۹۴/۱۹؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۰۷: ۹۸/۱۱).

در حکم تغلیظ دیه، واقع شدن قتل در حرم مدینه منوره اختلاف چندانی بین فقهای حنبله و امامیه وجود ندارد، با این وجود رأی بر عدم تغلیظ دیه دارند که این رأی جمهور فقها است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۷: ۴۹/۲۱؛ ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۶۳/۱۹؛ فیروزآبادی شیرازی، ۱۴۱۶: ۲۱۰/۳؛ نووی، بی‌تا: ۴۱/۱۹).

با این وصف، حکم به عدم تغلیظ دیه مترتب از قتل در حرم مدینه منوره راجح به‌نظر می‌رسد، زیرا دلیل و اسنادی محکم مبنی بر این مورد وجود ندارد، اما هتک حرمت به ساحت رسول‌الله (ص) در حرم مدینه بالاخص جنایت و قتل عمد خالی از اشکال نیست.

۲-۴- قتل در حال احرام

یکی از اسباب تغلیظ دیه از حیث ذات، وقوع قتل در حال احرام می‌باشد (یعنی کسی که به قصد حج یا عمره به مکه مشرف شده است و درحالی که احرام پوشیده است، به قتل برسد یا خود قاتل کسی شود)، گروهی قائل به عدم تغلیظ هستند که این رأی تمامی فقهای امامیه به جز حنبله می‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۷: ۶۷/۱۳). حنبله به آن چه که از عمر بن خطاب نقل شده و همچنین به روایات تغلیظ دیه در حرم مکه استناد جسته‌اند، به عقیده آنان شخص مُحْرِم چون در مکه به قتل رسیده است یا کسی را به قتل رسانده است، تغلیظ دیه بر وی انجام می‌شود (مرداوی، بی‌تا: ۷۵/۱۰؛ جوینی، ۱۴۲۸: ۳۱۵/۱۶؛ ابن ضویان، ۱۴۰۹: ۳۴۴/۲؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۷: ۶۷/۱۳؛ ابن قدامه، ۱۹۸۸: ۱۸۴/۱۵). ابن قدامه حنبلی تغلیظ دیه را در موارد زیر می‌داند: «هرگاه قتل خطا باشد در ماه حرام از جهت زمان، در حرم مکه از جهت مکان و در حالت احرام از جهت ذات است» (ابن قدامه،

۱- نفیر، به پرنده کوچکی گویند که با آن بازی کنند، مانند گنجشک.

قتل آن‌ها می‌شود، بالاخص زمانی که این کار عامداً صورت می‌گیرد، بایستی جانی دچار تنبیه و مجازات مضاعف گردد. بر این اساس به نظر می‌رسد که رأی گروه دوم ترجیح داشته باشد.

۲-۶- تغلیظ دیه به اعتبار نوع قتل

یکی از مواردی که به اعتبار آن دیه مورد تغلیظ قرار می‌گیرد، نوع قتل است که باتوجه به آن دیدگاه فقها متفاوت است.

۲-۶-۱- تغلیظ دیه در قتل عمد

یکی از اسباب تغلیظ دیه از حیث تعمد و قصد جنایت و استفاده از آلت قتاله از سوی جانی، قتل عمد می‌باشد. دیدگاه فقهای امامیه و حنابله در تغلیظ دیه در قتل عمد به غیر از موارد جزئی تفاوت چندانی ندارد و تمامی فقها در این که دیه قتل عمد مغضبه می‌شود، متفق هستند. در قتل عمد چیزی به دیه افزوده نمی‌شود، بلکه دیه در این قتل از اساس مغضبه می‌باشد؛ اولاً از حیث سن و سال شترهاست که دلایل دیدگاه‌های سه‌گانه یا چهارگانه در قسمت بیان دیدگاه‌ها خواهد آمد؛ ثانیاً پرداخت فوری و معجل است، به این دلیل که دیه در قتل عمد مانند قصاص و ارش جنایات فوری است. دیگر این که، چون بدل از قصاص است، باید فوری و معجل باشد؛ ثالثاً این که از مال جانی و توسط خودش پرداخت شود، به این دلایل که:

۱- از ابورمته روایت است که پیش رسول‌الله (ص) رفتم و پرسرم همراهم بود، فرمود: «این کیست؟ گفتم: پرسرم، پس فرمودند: «أما إنه لا یجنی علیک ولا تجنی علیه» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۶۳/۴).

۲- اجماع اهل علم بر آن است که دیه عمد، بر جانی واجب است (زیدان، ۱۴۲۸: ۲۰۸؛ ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۷/۶۴۴).

۳- دلیل آن‌ها این است که دیه در این قتل بدل از قصاص است و قصاص هم فوری انجام می‌گیرد، پس بدل آن هم باید فوری و حالا باشد و تأجیل موجب تخفیف بر قاتل خواهد بود، حال آن که قاتل عامد مستحق تغلیظ می‌باشد.

اما اختلافاتی که در این مورد وجود دارد، این که نزد امامیه شترها باید مسن و بزرگسال باشد و کیفیت تقسیم شترها

باشد بر او دیه مغضبه واجب می‌گردد. همان‌طور که مجاهد روایت نموده است که عمر در قتلی که در حرم یا در ماه حرام یا برای محرم اتفاق افتاده است حکم به دیه و ثلث دیه نمود (فیروزآبادی شیرازی، ۱۴۱۶: ۲۱۱/۳). در کتاب المغنی آمده است: «دیه با سه چیز مغضبه می‌شود، هنگامی که قتل در حرم، در ماه‌های حرام و قتل محارم اتفاق بیفتد و نص سخن امام احمد این است که تغلیظ دیه در قتل محارم، در حرم و در ماه حرام است» (ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۵۹/۱۹). حنابله در تغلیظ دیه در قتل محارم اختلاف دارند، اما قاضی ابن بعلی در الاحکام السلطانیه بر تغلیظ تأکید دارد هنگامی که مقتول از محارم باشد. در احکام السلطانیه هم آمده است: دیه خطای محض در حرم و ماه حرام و حالت احرام و محارم مغضبه می‌شود (الفراء حنبلی (ابویعلی)، بی‌تا: ۲۵۱). شیخ مرداوی حنبلی خویشاوندان را به دو گروه تقسیم می‌کند: خویشاوندی که محرمند مانند دختر و برادر و خویشاوندی که محرم نیستند، مانند پسرعمو و دخترعمو و دایی‌زاده‌ها (مرداوی، بی‌تا: ۷۷/۱۰-۷۶). حنابله در این مورد نیز اختلاف کرده‌اند، برخی قائلند که هر دو مورد تغلیظ می‌شود، برخی می‌گویند فقط در قسم اول تغلیظ می‌شود و بعضی هم می‌گویند در هیچ کدام تغلیظ نمی‌شود، اما رأی راجح نزد مرداوی تغلیظ در همه است در کتاب الانصاف آمده است: صحیح مذهب تغلیظ در همه است و همه اصحاب بر این رأی هستند (مرداوی، بی‌تا: ۷۷/۱۰-۷۶).

از دیدگاه فقه حنبلی اگر شخص مرتکب قتل به‌صورت خطایی در ماه حرام، حرم مکه، در حال احرام و از خویشاوندان باشد برای هر مورد ثلث دیه اضافه می‌شود، لذا اگر همه این چهار مورد در یک قتل با یکدیگر جمع شود، قاتل باید مجموعاً دو دیه و ثلث دیه پرداخت کند (دردیر ابوالبرکات، بی‌تا: ۵۵۲/۹). همچنین قتل عمد در هر کدام از این موارد را مستند به قیاس اولویت مشمول تغلیظ دیه می‌شمارند (دردیر ابوالبرکات، بی‌تا: ۵۵۲/۹)، نتیجه این که محارم یک شخص، به‌خصوص محارم درجه یک، قرابت و محبت ویژه‌ای نسبت به همدیگر ایجاد می‌نمایند. همین قرابت و محبت ویژه باعث می‌شود که احترام و جایگاه والا و ویژه‌ای نیز داشته باشند، پس شخصی که مرتکب جنایت و

همچنین حنابله عقیده دارند، چنانچه بین ولی مجنی علیه و جانی تراضی صورت گرفت، جایز است که مقدار دیه عمد بیشتر از مقدار تعیین شده باشد (ابن قدامه مقدسی، بی تا: ۴۷۷/۹).

۳- دیه قتل عمد صد شتر مسن و بزرگسال می باشد که این رأی امامیه است.

شارح لمعه دمشقیه گفته است: در دیه قتل عمد نفس، جانی مختار است یکی از امور شش گانه را پردازد که یکی از آنها عبارت است از: صد شتر مسن و بزرگسال که پنج سال آن کامل شده باشد.

و در کلام نویسنده کتاب لمعه آمده است: «الثنیه إلی بازل عامها؛ یعنی از پنج سال کامل تا هشت سال کامل و وارد سال نهم شده باشد» (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۴۲۸/۲).

احتجاج وی این است که:

۱- اعتماد بر عموم آیه قرآن می باشد، در کتاب المحلی آمده است: «و اما قول ما، دیه در قتل عمد و خطا فقط صد شتر است، چون خداوند فرموده است: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ؛ کسی که مؤمنی را به خطا کشت باید که برده مؤمنی را آزاد کند و خون بهایی هم به کسان کشته پردازد» (نساء/۹۲).

۲- اعتماد بر عموم حدیث رسول الله (ص) که فرموده است: «ومن قتل له قتیل فهو بخیر النظرین إیا آن یودی ویا آن یقاد» (بخاری، ۱۳۲۰: ۶/۹)، یعنی هرکس شخصی از (خویشاوندان) وی کشته شود، می تواند بهترین دو نظر را برگزیند یا به او دیه پرداخت شود و یا قصاص بگیرد (اندلسی ظاهری (ابن حزم)، ۱۳۵۲: ۴۷۱/۱۰).

به نظر می رسد چون عقوبت اصلی در قتل عمد همان قصاص است و قصاص هم واجب شده است با عوض نفس به نفس،

۵- بنت مخاض، شتر ماده ای است که یک سال آن کامل و وارد سال دوم شده است.

۶- ثنیه، شتر پنج سال به بالا را گویند.

۷- بازل، شتری که هشت سال تمام کرده و وارد سال نهم شده است.

نسبت به مذهب حنابله مغایرت دارد (حلی (محقق حلی)، ۱۴۱۰: ۳۱۹؛ ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۱۲۱/۳).

دلیل فقها در مورد تغلیظ دیه در این قتل به خاطر این است که جانی در قتل تعدد داشته و با سوءنیت مرتکب قتل شده است، پس باید قصاص شود، اما چنانچه به دلایلی قصاص ساقط شد، باز هم سزاوار هیچ تخفیفی نیست (زیدان، ۱۴۲۸: ۳۵۶؛ ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۷۶۵/۷).

دیدگاه های فقهای امامیه و حنابله در مورد کیفیت تغلیظ دیه در صفت و سن شتر پرداختی در قتل عمد در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- دیه قتل عمد به صورت تثلیث (سه گانه) می باشد که این رأی بعضی از حنابله است (ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۴۷۷/۹).

در مغنی المحتاج آمده است: قبول سه گانه بودن شترها در قتل عمد یکسان است، چه واجب شده از قصاص باشد، چه بعد از عفو و تراضی باشد، مانند قتل فرزند توسط والد و مراد از تغلیظ قراردادن اقسام سه گانه است: یعنی سی حقه؛ سی جذعه؛ چهل خلفه، پس بر این مبنا مغلظه شدن به سه جهت است: یکی این که پرداخت برعهده جانی است؛ فوری است؛ از جهت سن هم است.

۲- دیه قتل عمد به صورت تربیع (چهارگانه) پرداخت می شود که این رأی حنابله است.

در المغنی آمده است: وجه اول آن چه روایت شده از زهری از سائب بن یزید که گفته مقدار دیه در زمان رسول الله (ص)، چهارگانه بوده است، بیست و پنج جذعه، بیست و پنج حقه، بیست و پنج بنت لبون و بیست و پنج بنت مخاض و این قول ابن مسعود می باشد (ابن قدامه، ۱۴۰۶: ۴۸۹/۹).

۱- حقه، شتری را گویند که سه سال کامل داشته و وارد سال چهارم شده باشد، چون استحقاق سوار شدن و بار نهادن دارد.

۲- جذعه، شتری را گویند که چهار سال کامل داشته و وارد سال پنجم شده باشد، چون دندان های جلو آن ها افتاده است.

۳- خلفه، شتر حامله را گویند.

۴- بنت لبون، شتر ماده ای است که دو سال آن کامل و وارد سال سوم خودش شده است.

نه تعیین قیمت معینی، لذا اگر در دیه قتل عمد، بین جانی و ولی مجنی‌علیه خاضعانه توافق به‌وجود آمد، باز هم رأی تجویز حنابله ترجیح دارد بر صلح که بر بیشتر از دیه قتل عمد باشد.

و دلیل نقلی که رأی حنفیه را ترجیح می‌دهد، روایتی است از ترمذی و ابوداود از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش از رسول‌الله (ص) که فرمود: «من قتل مؤمناً متعمداً دفع إلی أولیاءه المقتول فان شاعوا قتلوا وإن شاعوا أخذوا الدیه وهی ثلاثون حقه وثلاثون جذعه وأربعون خلفه وما صالحوا علیه فهو لهم وذلك لتشدید العقل؛ هر که مؤمنی را عمداً بکشد، به اولیای مقتول قصاص (دیه) می‌پردازد، اگر بخواهند کشته شود و اگر بخواهند دیه را می‌گیرند که سی حقه و سی جذعه و چهل خلفه و هر چه بخواهند، می‌گیرند و آن چه عاقله با آن‌ها صلح کنند، همان است» (بیهقی، ۱۳۴۴: ۷۰/۸؛ آلبانی، ۱۴۰۵: ۴۳۷/۱) و از آخر حدیث فهمیده می‌شود که صلح بر بیشتر از دیه جایز است، چنانچه ولی مجنی‌علیه از جانی مطالبه نماید.

۲-۶-۲- تغلیظ دیه در قتل شبه‌عمد

یکی از اسباب تغلیظ دیه قتل شبه‌عمد می‌باشد. از این جهت که جانی قصد فعل کرده به عمد شباهت دارد، پس لازم است که در عقوبت آن نوعی تغلیظ وجود داشته باشد. در قتل شبه‌عمد نیز چیزی بر دیه افزوده نمی‌شود، بلکه تغلیظ دیه از حیث سن و سال شترها است که دیدگاه فقها در این قتل ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دیدگاه اول: دلالت بر تربیع (چهارگانه) بودن شترها دارد، به‌صورت ۲۵ حقه، ۲۵ جذعه، ۲۵ بنت مخاض و ۲۵ بنت لبون که این رأی حنابله است (مرداوی، بی‌تا: ۶۹/۱۰). شیخ مرتضی گفته است: «دیه شبه‌عمد سی حقه، سی جذعه و چهل خلفه است که حامله باشد» (مرتضی، بی‌تا: ۴۲۸/۲).

دیدگاه دوم: دلالت بر تثلیث دارد، اما اختلاف آن با دیدگاه دوم از حیث تقسیم شترهاست که ۳۳ بنت لبون، ۳۳ حقه و ۳۴ ثبیه است که این فقط رأی امامیه است (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۴۲۸/۲). در لمعه دمشقیه دو روایت از امام جعفر صادق (ع) آمده است که یکی از آن دو این است: همچنین دیه شبه‌عمد صد شتر است که شترها از نظر سنی، ۳۴ شتر

ثبیه، یعنی پنج‌سال به بالا باشند یا مطروقه الفحل یا هم حامله باشد، ۳۳ شتر هم بنت لبون، یعنی دو سال تمام داشته و وارد سال سوم شده باشد و ۳۳ شتر هم حقه، یعنی سه سال آن تمام و وارد سال چهارم شده باشد (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۴۲۸/۲؛ حلی (محقق حلی)، ۱۴۱۰: ۳۱۹؛ حلی اسدی (علامه حلی)، بی‌تا: ۲۲۹).

این‌که شترها در شبه‌عمد حامله باشد، نیاز است، چون در این قتل قصاص ساقط شده است و سقوط قصاص هم مستوجب تغلیظ بر جانی و تغلیظ در مال، هر دو می‌باشد، چون در قتل شبه‌عمد از حیث آلت یا ضربه‌زدن، نوعی قصد جنایت وجود دارد.

نزد قائلین به شبه‌عمد پرداخت شترها مؤجل و بر عاقله است به جزء امامیه که در قتل شبه‌عمد نیز مانند قتل عمد پرداخت برعهده جانی خواهد بود (زراعت، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

نتیجه‌گیری

اسباب و موارد تغلیظ دیه از نظر فقهای امامیه و حنابله بر حسب زمان وقوع قتل، مکان وقوع قتل و ذات قتل متفاوت و متعدد می‌باشند، از جمله:

۱- دیه قتل در ماه‌های حرام: آرای حنابله و امامیه تغلیظ دیه می‌باشد. در این دیدگاه هرگاه قتل خطا در ماه‌های حرام واقع شود، تغلیظ با افزودن یک‌سوم بر مقدار مشخص شده انجام می‌شود.

۲- دیه قتل در حرم: باوجود اختلاف نظر فقها، به‌نظر می‌رسد که قول راجح در مورد تغلیظ دیه در حرم مکه، برای قتل عمد باشد و چنانچه کسی در حرم مکه مرتکب قتل شبه‌عمد یا خطا گردید، سزاوار دیه مغلظه نخواهد بود، هرچند که بایستی حرمت آن مکان مقدس که مورد توجه خداوند و رسولش می‌باشد، حفظ شود. در این صورت باوجود اختلافی که بین فقهای امامیه می‌باشد و از نظر سندی ضعیف است، ولی رأی بر تغلیظ دیه در حرم مکه موافق با رأی و نظر حنابله می‌باشد.

۱- مطروقه الفحل، شتری که استعداد حاملگی داشته باشد.

- ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن (بی تا). *الشرح الكبير*. جلد نهم و دوازدهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ابن قدامه، ابومحمد عبدالله (۱۴۰۶). *المغنی*. جلد سوم، هفتم، نهم و نوزدهم، ریاض: دارعالم الکتب.

- ابن قدامه، ابومحمد عبدالله (۱۹۸۸). *الکافی فی فقه الامام المبجل احمد بن حنبل*. تحقیق زهیر الشاویش، جلد پانزدهم، بیروت: المکتب الاسلامی.

- ابن منظور، جمال الدین محمد (۱۹۹۷). *لسان العرب*. جلد هفتم، بیروت: دار صادر.

- اردبیلی، احمد (۱۴۰۳). *مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*. جلد چهاردهم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

- ازهری، ابومنصور محمد (بی تا). *تهذیب اللغة*. جلد سوم، قاهره: دارالمصریه.

- الفراء حنبلی (ابویعلی)، قاضی محمد (بی تا). *الاحکام السلطانیه*. بی جا: بی نا.

- اندلسی ظاهری (ابن حزم)، ابومحمد علی (۱۳۵۲). *المحلی بالآثار*. جلد دهم، قاهره: مطبعه منیریه.

- آلبانی، محمدناصرالدین (۱۴۰۵). *ارواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل*. جلد اول و هفتم، بیروت: المکتب الاسلامی.

- بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*. جلد دوم، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

- بخاری، حافظ ابوعبدالله محمد (۱۳۲۰). *صحیح بخاری*. جلد نهم و نوزدهم، قاهره: دارالحديث.

- براج طرابلسی (ابن براج)، سعدالدین ابوالقاسم عبدالعزیز (۱۴۰۶). *المهذب*. جلد دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- بیهقی، ابوبکر احمد (۱۳۴۴). *السنن الکبری*. جلد پنجم و هشتم، حیدرآباد: مجلس دایره المعارف.

۳- دیه قتل در حال احرام: باوجود دیدگاه‌های مختلف، چنانچه شخصی با آگاهی از شرایط احرام و حرم مرتکب قتل شبه عمد و به خصوص قتل عمد شود، بهتر آن است که دیه پرداختی مغلظه گردد و تنبیه و مجازات او تشدید شود. پس به نظر می‌رسد باتوجه به شرایط و دلایل مذکور رأی حنابله ترجیح داشته باشد.

۴- دیه قتل محارم: نتیجه این که محارم یک شخص، به خصوص محارم درجه یک، قرابت و محبت ویژه‌ای نسبت به همدیگر ایجاد می‌نمایند. همین قرابت و محبت ویژه باعث می‌شود که احترام و جایگاه والا و ویژه‌ای نیز داشته باشند. پس شخصی که مرتکب جنایت و قتل آن‌ها می‌شود، بالآخر زمانی که این کار عامداً صورت می‌گیرد، بایستی جانی دچار تنبیه و مجازات مضاعف گردد. بر این اساس به نظر می‌رسد که رأی حنابله بر تغلیظ دیه است و این برخلاف رأی امامیه است. در این مبنا نیز اختلاف نظر بین فقهای شیعه و حنبلیه وجود دارد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: مشترک.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶). *مسند الامام احمد بن حنبل*. جلد چهارم، بیروت: مؤسسه الرساله.

- ابن ضویان، ابراهیم (۱۴۰۹). *منارالسبیل فی شرح الدلیل*. جلد دوم، چاپ هفتم، قم: المکتب الاسلامی.

- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۷). *الموسوعه الفقہیہ الکویتیہ*. جلد سیزدهم، بیست و یکم و سی و ششم، کویت: دارالسلاسل.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ خسروی، عبدالحمید و تاجیک، عبدالرحیم (۱۳۹۲). «تغلیظ مضاعف دیه از دیدگاه مذاهب اسلامی». *فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، ۳۴(۹): ۲۹-۲۰.
- جوینی، عبدالملک (۱۴۲۸). *نهایه المطلب فی درایه المذهب*. جلد شانزدهم، بیروت: دارالمنهاج.
- حلی (محقق حلی)، نجم‌الدین جعفر (۱۴۱۰). *مختصر النافع فی فقه الامیه*. تهران: مؤسسه البعثه.
- حلی اسدی (علامه حلی)، حسن (بی‌تا). *تبصره المتعلمین فی احکام الدین*. قم: جامعه مدرسین.
- خسروی، رضا (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی تغلیظ دیه بین مذاهب اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما حیدر باقری اصل، تبریز: دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز.
- دردیر ابوالبرکات، سیداحمد (بی‌تا). *الشرح الکبیر*. جلد نهم، بی‌جا: بی‌نا.
- زراعت، عباس (۱۳۸۷). *شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات*. تهران: انتشارات ققنوس.
- زیدان، عبدالکریم (۱۴۲۸). *القصاص والدیات فی الشریعه الاسلامیه*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- سلیمان کلوانق، امین؛ قراملکی، علی‌مظهر و مرتاضی، احمد (۱۳۹۷). «بررسی شرط لزوم اتحاد مکانی و زمانی رفتار جنایی و فوت، جهت تغلیظ دیه (کاوشی در مبانی فقهی ماده ۴۵۵». *مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۱(۲): ۴۲۲-۴۰۵.
- طوسی (شیخ طوسی)، ابوجعفرمحمد (۱۴۰۷). *الخلاف*. جلد سوم و هشتم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طوسی (شیخ طوسی)، ابوجعفرمحمد (۱۴۰۹). *التهذیب الاحکام*. چاپ چهارم، تهران: دارالکتاب الاسلامی.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیة*. جلد دوم و دهم، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
- عسقلانی، احمد (۱۳۷۹). *فتح الباری: شرح صحیح البخاری*. جلد چهارم، بیروت: دارالمعرفه.
- فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد (۱۴۰۵). *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*. جلد ششم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فتح‌الله، احمد (۱۴۱۵). *معجم الفاظ الفقه*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- فیروزآبادی شیرازی، ابواسحاق ابراهیم (۱۴۱۶). *المهذب فی الفقه الامام الشافعی*. جلد سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قشیری نیشابوری، مسلم (۱۴۰۷). *صحیح مسلم*. جلد یازدهم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- کثیر دمشقی (ابن کثیر)، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل (۱۴۱۷). *البدایه و النهایه*. جلد دوم، بیروت: دار هجر.
- مددی جابری، سعید (۱۳۹۰). *تبیین تغلیظ دیه در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما مرتضی طیبی، اصفهان: دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان.
- مرتضی، احمد (بی‌تا). *البحر الزخار الجامع لمذهب علماء الأمصار*. جلد دوم و پنجم، بی‌جا: المکتبه الشامله.
- مرداوی، علاء‌الدین ابوالحسن علی (بی‌تا). *الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف*. جلد دهم، بی‌جا: مکتبه الشامله.
- مصطفی، ابراهیم؛ الزیات، حسن؛ عبدالقادر، حامد و النجار، محمد (۱۹۷۲). *المعجم الوسیط*. جلد دوم، استانبول: مکتبه الإسلامیه.
- ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۹). «ماهیت تعزیری ثلث مازاد بر دیه نفس و آثار آن در قانون تغلیظ دیه». *فصلنامه فقه و اصول*، ۵۲(۲): ۱۴۰-۱۲۳.

- موسوی خمینی، سیدروح اله (بی تا). *تحریر الوسيله*. جلد دوم، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- مهیار، رضا (۱۳۶۸). *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*. تهران: انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*. جلد چهل و دوم و چهل و سوم، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- نووی، ابوزکریا محی الدین (۱۳۸۰). *منهاج الطالبین و عمده المتقین*. ترجمه مسعود قادرمربی، جلد چهارم، بیروت: دارالفکر.
- نووی، ابوزکریا محی الدین (۱۴۲۳). *روضه الطالبین و عمده المفتین*. جلد سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نووی، ابوزکریا محی الدین (بی تا). *المجموع شرح المذهب*. جلد نوزدهم، بیروت: دارالفکر.

